



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نامبر: ۸۸۹۲۵۶۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۲۷۵

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۱۴ تیر ۱۴۰۱ • ۵ ذی‌الحجه ۱۴۴۳ • ۵ جولای ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۲۰ • ۱۲ صفحه
اذان ظهرتهران ۱۳:۰۹ • اذان مغرب ۲۰:۲۴
اذان صبح فردا ۴:۰۹ • طلوع آفتاب ۵:۵۴

# استق

**دیالوگ روز**

**ضیافت - مسعود کیمیایی- ۱۳۷۴**

شهباز (مهدی خامی): حوصله بی‌پولی و بی‌کسی رو ندارم.

علی (فریبرز عرب‌نیا): پولداری که واست بی‌کسی رو صاف و صوف نمی‌کنه مؤمن.

اون کسی که واست کسی باشه این ور بی‌پولیته. اصلا خود پولداره که برات کس نمی‌ذاره.

اون کسی که رفیق پولداریت باشه، ناکسه.

### سبزخوانی ۱

پیوند محیط زیست و رسانه‌ها ی

## گزارش یک موفقیت



**محمد درویش**

**فعال محیط زیست**

روز ۵ تیر یکی از مطالبات جدی ما محیط‌زیستی‌ها به ثمر رسید و استقرار پروژیمی در میانکاله یکی از ۴۹ اکتون بی‌نظیر جهان منقفی شد. اتفاقا حامیان استقرار این صنعت آلاینده از قدرت و نفوذ لابی‌گری لابی‌هم برخوردار بودند و از نماینده مجلس تا رئیس مجلس، امام‌جمعه و استاندار را هم متأثر کرده بودند اما خوشبختانه با پیگیری و مطالبه‌گری جدی و روشنگری رسانه‌ها، اتفاق بی‌نظیری در ایران معاصر رخ داد و ما توانستیم رسماً و کاملاً قانونی با جلب نظر سازمان حفاظت محیط زیست جلوی استقرار این صنعت به‌شدت آلاینده را در میانکاله بگیریم.

درست است که فعالیت مستقل رسانه‌ای در جامعه امروز ما با مشکلات، تهدیدها و تحدیدهای جدی روبه‌روست و درست است که مجموع این فشارها و تلخکامی‌ها سبب شده تا متأسفانه خبرنگاران اغلب در شمار افسرده‌ترین اقشار جامعه قرار گیرند اما عملکرد خبرنگاران و رسانه‌ها گاه بسیار مثبت و پیش‌برنده هم بوده و باید سزاورانه از آنها بابت روشنگری‌های‌شان قدردانی کرد؛ کاری که من به‌عنوان یک کنشگر محیط زیست اینک انجام داده و می‌خواهم تا به افتخار رسانه‌ها ی‌داست بزیند که پرچم امید را در بسیاری از موارد مانند ماجرای میانکاله و پیروزی محیط‌زیستی‌ها بالا نگه داشته‌اید.

مثال‌های زیادی هست که نشان می‌دهد رسانه از دهه‌های قبل پرقدرت‌تر عمل می‌کند؛ حداقل در حوزه‌ای که من تخصصش را دارم. سه‌سال پیش وقتی که طرح انتقال آب خزر به سمنان مطرح شد که دو رئیس‌جمهور پشت این طرح بودند، احمدی‌نژاد و حسن روحانی، از دو فرقه سیاسی مختلف ما در این مورد با هم هم‌نظر بودند؛ چون هر دو برای استان سمنان بودند و می‌خواستند این کار را انجام دهند اما معصومه ابتکار، رئیس سازمان محط زیست وقت، صریحاً با این طرح مخالفت کرد و حسن روحانی ایشان را در دولت دوم خود با عیسی کلانتری جابه‌جا کرد تا این طرح حتما اجرا شود.

هنگامی که عیسی کلانتری در رسانه ملی کشور صحبت کرد و جزئیات طرح را توضیح داد، خبرنگاران پرسیدند که آقای کلانتری این طرح به جنگل هیرکانی که ارزشمندترین رویشگاه جنگلی ما و میراث طبیعی مشترک که در یونسکو ثبت جهانی شده، خسارت می‌زند. او پاسخ داد: ما نگرانی شما را برطرف کردیم، این خط لوله از کنار خط لوله نیروگاه نکا رد می‌شود و کمترین میزان تخریب را خواهد داشت. بعد پرسیدند که این تخریب چقدر است؟ گفت ۴۰ هکتار. اعلام این «۴۰ هکتار» مثل یک بمب رسانه‌ای در جامعه ما منفجر شد. بسیاری اعتراض کردند درواقع رئیس سازمان محیط زیست آقای متولی طبیعت ایران از عدد ۴۰ هکتار به‌راحتی استفاده می‌کند و خیلی‌ها اعتراض کردند که مگر ما چقدر از این جنگل‌ها در دنیا داریم که به‌راحتی می‌خواهید ۴۰ هکتار را از بین ببرید. آقای کلانتری یک جمله در جواب گفت؛ گفت که من تعجب می‌کنم ما از اول انقلاب تا الان تقریباً دویلمیون هکتار جنگل را از بین بردیم و هیچ‌کس صدایش درنیامد. حالا شما برای ۴۰ هکتار به ما گیر می‌دهید؟ البته که این حرفش درست است اما یک نکته رسانه‌ای از این جنگل‌ها در دنیا داریم که به‌راحتی انتقال گاز برای نیروگاه نکا از همان هیرکانی اجرا شد، حدود ۲۰ سال پیش صدها هکتار جنگل قطع شد و صدا از کسی درنیامد؛ پس چرا حالا برای ۴۰ هکتار مردم این‌گونه واکنش نشان می‌دهند؟ و درنهایت با وجود اراده سیاسی دو دولت که پشت این طرح بود، این طرح اجرا نشد. این موفقیت به خاطر حضور مؤثر رسانه‌هاست. خودتان را تشویق کنید. من به‌عنوان یک فعال محیط زیست قدردانی می‌کنم و می‌دانم چقدر تحت فشار هستید و انگ‌های مختلف به شما می‌زنند.

**این متن گسترش یافته سخنرانی محمد درویش درباره سند رسانه ملی است که در دو بخش تنظیم شده و امروز و فردا منتشر می‌شود.**



**قادر باستانی**

**پژوهشگر و مدرس علوم ارتباطات**

خبر بد، تنم را می‌لرزاند. مردم از اخبار گریزان شده‌اند. خبر خوب کیمیا شده است؛ انگار همه عالم دست‌به‌کارند که تن و بدن مردم جهان را با اخبار ناگوار بلرزاند. پژوهش جدید مؤسسه رویترز نشان می‌دهد از هر ۱۰ نفر، چهار نفر گفته‌اند که از خواندن، دیدن و شنیدن اخبار بهرین می‌کنند. پنج سال پیش، همین تحقیق را انجام دادند و اکنون تعداد آنهایی که از خبر روی‌گردان شده‌اند، دوبرابر شده است.

زمانی مطالعه روزنامه و شنیدن اخبار رادیو و دیدن اخبار تلویزیون، عادت روزمره اغلب مردم بود. هرکس خرده‌سوادی داشت، مشتری روزنامه بود. گوش‌دادن به یک بخش خبری رادیو یا تلویزیون، عادت عمده مردمان به حساب می‌آمد. باور عمومی این بود که رسانه همیشه راست و درست می‌گوید. با آن رسانه‌ها، حکومت‌کردن بر مردم هم کار سختی نبود. رسانه‌ها محدود و دراختیار بودند. اکنون اما هر شخص یک رسانه است. دسترسی نامحدود به منابع خبری دارد؛ اصلاً خودش منبع خبر شده است.

یافته‌های علمی نشان می‌دهد در سطح فردی، شنیدن خبرهایی که بر بهبود رفاه عمومی تمرکز دارند و راه‌حل نشان می‌دهند، خود کارآمدی مردم را بالا می‌برد و منجر به افزایش امید و خوش‌بینی می‌شود. اشکالی که وجود دارد، رسانه‌های بزرگ مثل صداوسیما، انگ جانبداری خورده‌اند و اعتنازشان نزد غالب مردم زایل شده است و رسانه‌های ناشناخته با مخاطبان محدود که عمدتاً اخبار مایوس‌کننده و منفی دارند، توجه بیشتری از مخاطبان ایرانی را در فضای مجازی به خود جلب می‌کنند.

## عطش بسیار برای خبر خوب

رسانه‌های بزرگ کشورمان، در طول زمان به‌تدریج اعتبارشان را به دلیل تمرکز بر پروپاگاندا و تبلیغات دولتی و بی‌توجهی به سلیقه و خواست مخاطب، به‌شدت کاهش داده‌اند. البته دسترسی مخاطبان ایرانی به انبوه رسانه‌های مخالف در فضای مجازی و تلویزیون‌های ماهواره‌ای، به تشدید آن کمک کرده است. این امر باعث شده کسر بزگی از مردم، از رسانه‌های خبری اجتناب کرده و بر آنچه به‌عنوان جایگزین‌های کاربردی می‌بینند، تکیه کنند. این جایگزین‌ها، عموماً شبه‌رسانه‌ها هستند که با اهداف و اغراض خاص، میادرت به تولید و پخش خبر به اشکال مختلف می‌کنند.

پژوهشگران ارتباطات دریافته‌اند که چگونه عادات و نگرش مخاطبان جوان، تغییر بیشتری داشته است. سه سال پیش یک تحقیق علمی، تفاوت معناداری میان مصرف خبری و رفتارهای ناشی از آن در میان جوانان پیدا کرد؛ از جمله اتکای بیشتر به رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی و بی‌توجهی به برنده‌های خبری. اکنون محققان توجه خود را به این‌ معطوف کرده‌اند که چگونه عادات و نگرش‌های خبری جوانان، در بحبوحه نگرانی‌های فزاینده درباره بی‌اعتمادی و اجتناب از اخبار و نیز افزایش توجه عمومی به برخی موضوعات مانند عدالت اجتماعی و محیط زیست و رشد پلتفرم‌های جدیدتر را دچار تحول کرده است. شناخت رفتارهای جدید نسل جوان و اصلاح ذهنیت‌های ناصحیح درباره اولویت‌های این نسل، اهمیت بسیاری دارد. طبق تحقیقات، دهه نودی‌ها که عمدتاً در دنیای وب اجتماعی و مشارکتی بزرگ شده‌اند، به‌طور معناداری با دهه هشتاد و هفتادی‌ها که عمدتاً در عصر اطلاعات رشد کرده‌اند، تفاوت دارند. اجتناب از رسانه‌های خبری در دهه نودی‌ها مشهودتر است. شاید دلیل این رفتار را با عواطف و احساسات ناشی از اخبار توضیح داد. علاوه‌براین، برای نسل جدید، لابد اجتناب از اخبار، تأثیر مثبتی بر بی‌خیالی و آسودگی درک شده داشته است، اما آنها را از مسائل و مشکلات جامعه تا حد زیادی دور

کرده است و این ممکن است برای آینده کشور مخاطراتی داشته باشد. برخلاف آنچه به نظر می‌رسد لحن منفی اخبار به شکل فزاینده‌ای در پوشش رسانه‌ای جریان دارد و رسانه‌های بر تعداد طرفدار دولت، یاری مقابله با این حجم از اخبار منفی را نداشته‌اند اما پیش‌بینی من این است که شیوع اخبار مثبت، به سه دلیل احتمالاً افزایش می‌یابد: اول اینکه جامعه دیگر ظرفیت لازم برای پذیرش چنین حجم بزرگی از اخبار منفی و ناامیدکننده را ندارد. دوم اینکه، قدرت یک‌دست شده، تاکنون ناکارآمدی‌ها را به دولت گذشته نسبت می‌داد و هرچه زمان می‌گذرد، این استدلال کارکرد نخواهد داشت. پس صاحبان قدرت، مجبورند با نرمش‌های مشخصی در عرصه‌های مختلف، مسیر وقوع اتفاقات خوب را هموار کنند. سوم فناوری‌های روز، پلتفرم‌های خبری متنوع را تسهیل کرده و دولتی‌ها امکان یافته‌اند که با تبحر بیشتری به رشد اخبار امیدوارکننده بپردازند.

برخی تحقیقات نشان می‌دهد که تیتراهی منفی، بیش از ۶۰ درصد رسانه‌های خبری را شامل شده‌اند. بخش زیادی از اخبار منابع مختلف رسانه‌ای که می‌خوانیم، می‌بینیم و می‌شنویم، اخبار منفی است. یک مطالعه آژمانیگامی نشان داده که خواندن اخبار منفی با افزایش واکنش استرس که از طریق هورمون کورتیزول اندازه‌گیری می‌شود، مرتبط است. قرارگرفتن در معرض اخبار مثبت، نسبت به اخبار خنثی، اگرچه سطح کورتیزول شرکت‌کنندگان را تعدیل نکرد اما نقش جدی در امیدواری و تحمل‌پذیری داشته است. راهکار مقابله با اخبار منفی و مایوس‌کننده، بازگرداندن اقبال مردم به رسانه‌های اصلی است. آن رسانه‌ها، برای جلب اعتماد مردم، نیاز جدی به اتخاذ شیوه حرفه‌ای مبتنی بر صحت، صداقت و بی‌طرفی در تهیه و انتشار خبر دارند. در این میان تفریح کار، طرح‌های مثل صیانت و رفتن به‌سویختن و بستن برخورد در فضای مجازی است که مخاطبان جوان را به سمت رفتارهای جمعی مخرب و اعمال غیرقابل پیش‌بینی سوق می‌دهد.



♦ در منطقه میرآباد با فاصله اندکی از منطقه آزاد چابهار بیش از هزار خانواده بدون داشتن امکانات اولیه در کبرها و آلونک‌هایی که از چوب و ضایعات ساخته شده است، زندگی می‌کنند.

عکس: هادی هیردپوش/ فارس

### دغدغه‌های طبیعیانه

## تهران، شهر بیمار

در لیست بهترین شهرهای دنیا برای زندگی یعنی شهرهایی که شهروندانش کیفیت خیلی خوبی برای زندگی کردن دارند، از آب‌وهوای تمیز برخوردارند، میزان استرس در آنها پایین است و خدمات رفاهی در بهترین شکل آن وجود دارد، تهران این پایتخت بدقواره و کثیف‌کشور ما جزء ۱۰ شهر بد دنیا قرار گرفته است. اینکه تمام سعی خود را انجام دهیم تا جزء بدترین‌ها باشیم، خودش هم رکورد قابل‌توجهی محسوب می‌شود. البته اینکه تهران جای زندگی نیست، اصطلاحاً اظهار من‌الشمس است. امروز داشتم به محل کار در یکی از شلوغ‌ترین مناطق تهران می‌آمدم. سعی کردم با دقت بیشتری به اطراف خود نگاه کنم اما به‌سرعت متوجه شدم آن چیزی که می‌دیدم، چیزی که بسیار زشت و ناپسند بوده، مدت‌هاست که برای من عادی شده است. هوای آلوده یا بهتر بگویم بسیار آلوده این شهر، هرروز وارد ریه‌های ما می‌شود. این را به گرمای زیاد هوا هم اضافه کنید. شاید خود کرما مسئله‌ای مربوط به کلانشهر تهران نباشد زیرا ما با پدیده گرمایش زمین در تمام جهان روبه‌رو هستیم، اما آن چیزی که برای ما مسئله است و ما مسئول آن هستیم، ازبین‌رفتن ذخایر آب ماست. که به تبع خود مشکلات بسیاری از جمله ناتوانی در تولید کافی برق را نیز به دنبال خود می‌آورد. این شهر شلوغ و درهم مدت‌هاست با خطر بی‌آبی و نیز بی‌برقی روبه‌رو است، اینها درباره آب‌وهوایی است که هرروزه مصرف می‌کنیم، البته باید به همه اینها کیفیت غذا را هم اضافه کرد. کاری به آلودگی‌های غذایی ندارم. به دلیل تورم افسارگسیخته سفره خانواده‌های ایرانی کوچک و کوچک‌تر شده است و این روزها مسئله سوت‌نغذیه موضوع بسیار جدی‌ای بوده که بیش از هرکسی کودکان ما را که سن رشد هستند، تحت تأثیر قرار می‌دهد. همه اینها در کنار آن آلودگی هوا، آن شلوفنی بی‌حدوحساب تهران بی‌شک آن را به یکی از بدترین شهرهای دنیا برای زندگی بدل می‌کند اما شاید بدتر از همه اینها بی‌قانونی محضی باشد که در رگ‌های این شهر جاری شده است. کاری به ساختمان‌ها و برج‌های بدقواره ندارم که مثل قارچ و بی‌هیچ نظم و شکلی در این شهر سردآورده‌اند. وقتی به سر کار می‌رفتم، می‌دیدم که عابرین چقدر آسان و راحت از عرض خیابان‌ها و اتوبان‌ها رد می‌شوند. موتورسواران تمام مسیرهای خلاف را می‌آیند و حتی پیاده‌روها هم جای عبور موتورسوارها شده است. اصلاً نمی‌دانم در موقع رانندگی باید حواسم به کجا باشد. من که در بیمارستان سینا کار می‌کنم، هرروز وحشت رانندگی از میدان توپخانه تا درب بیمارستان سینا را دارم. هرروز این احتمال را می‌دهم که یک موتورسوار نه از روبه‌رو یا بغل بلکه ناگهان از دل یک درخت بیرون بیاید و روبه‌روی من ظاهر شود. خداوند به من و او رحم کند.

### هترخوانی

## برگزاری جشنواره کودک، چرا و چگونه؟

شد. تشدید هزینه حق پخش فیلم‌های بین‌المللی که از دیگر آورده‌های تخریم برای ما و این بار سینمای کشورمان به‌شمار می‌آید، موضوع دیگری است که درجه کیفی وجهه بین‌المللی جشنواره در صورت برگزاری در ماه‌های پیش‌رو را زیر سؤال می‌برد. مبلغی که با درنظرگرفتن سایر مبالغ برگزاری این رویداد، می‌تواند هزینه بسترسازی برای برگزاری هرچه بهتر آن در سال آینده باشد. اگرچه به اتفاق نشستن‌ها از شاخصه‌های اصلی کلیدزنب هر جشنواره‌ای است اما ای‌کاش در نظر داشته باشیم‌که به هر قیمت و با هر کیفیت یا خروجی‌ای قرار نیست جشنواره بریا کنیم که آورده آن جز افزودن سالی به سالیان بلند عمر برگزاری این رویداد سینمایی نباشد. وقتی همه خوابیم تا نه انگیزه و علاقه و نه حتی فیلم‌نامه مطلوب داشته باشیم، وقتی کمی هم به‌جای دغدغه‌مندی و اراده سینماگران، همواره توب بسترسازی و ارتقا در زمین مدیران است، وقتی مُسکن‌ها جای درمان‌های ریشه‌ای را می‌گیرد، وقتی به‌جای نقد سازنده، قلم‌فرسایی‌ها از برای سهم‌خواهی به سیاه که ارتقا می‌آید، اغلب مطالبات، توقع‌های ناموایی است که نسبت به برگزاری این درمان‌شان نیست بلکه جز ترکتشان ره به جای دگر نمی‌برد. در چنین شرایطی بدهی‌ی است که اگر مقامات مسئول، کارگروه برگزارکننده و به‌ویژه دبیر سی‌وینجمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و کمیت برگزاری آن به خود مشغول کرده و این مهم درست همان‌جایی است که می‌تواند مدیران مسئول و مرتبط، سایر متولیان و به‌ویژه دبیر جشنواره کودک را نسبت به برگزاری این رویداد مردد کند. گذشته از ویروس کرونا که تولیدات سینمایی در گونه‌های رنگارنگش ازجمله همین کودک را به محاق برد، به دلایلی همچون نبود سرمایه‌گذاری در سینمای کودک و نوجوان و علاقه و انگیزه حداقلی برای ورود به این‌گونه سینمای، برگزاری جشنواره کودک در سال جاری آن‌هم با چنین شرایطی و رایانه‌ای پاک‌کردن بدون رضایت هرگونه اطلاعات جرم‌نگاری شده و مستوجب تعزیر است.



**محمدحسین لواسانی**

**مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی**

مانند سال‌های گذشته، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی به‌عنوان دبیر جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان منصوب شد. در این انتصاب رئیس سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سکان هدایت سی‌وینجمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان را به سیدمهدی جوادی، مدیرعامل وقت فارابی سپرد. آنچه در پی این انتصاب بدهی به نظر می‌رسد، احتمال برگزاری این جشنواره مطابق سال‌های گذشته در یکی از ماه‌های نزدیک پیش‌رو است اما در این بین مسائلی نیز به ذهن متبادر می‌شود و آن سؤال تکراری درستی برگزاریشدن یا نشدن جشنواره کودک است. نبود سرمایه‌گذاری و تولید درخور توجه در زمینه فیلم‌هایی درباره برای کودک که به دنبال آن فقدان دقیق‌تر در تولید آن‌ها، همراه دارد، یکی از جدی‌ترین پرسش‌ها و دغدغه‌هایی است که ذهن خبرنگاران، علاقه‌مندان و برگزارکنندگان جشنواره را درباره کیفیت و کمیت برگزاری آن به خود مشغول کرده و این مهم درست همان‌جایی است که می‌تواند مدیران مسئول و مرتبط، سایر متولیان و به‌ویژه دبیر جشنواره کودک را نسبت به برگزاری این رویداد مردد کند. گذشته از ویروس کرونا که تولیدات سینمایی در گونه‌های رنگارنگش ازجمله همین کودک را به محاق برد، به دلایلی همچون نبود سرمایه‌گذاری در سینمای کودک و نوجوان و علاقه و انگیزه حداقلی برای ورود به این‌گونه سینمای، برگزاری جشنواره کودک در سال جاری آن‌هم با چنین شرایطی و رایانه‌ای پاک‌کردن بدون رضایت هرگونه اطلاعات جرم‌نگاری شده و مستوجب تعزیر است.

## پاسخ حقوقی به چند سؤال درباره اتفاقات پارک پردیسان

نیروهای مسلح در موارد ضروری» شرح دقیقی است از موقعیت‌های ضروری که مأمورین می‌توانند از سلاح خود استفاده کنند. به عبارت دیگر استفاده از سلاح در غیر از موارد مذکور ممنوع و تخطی از قانون است.

در مرحله بعد و با استناد به موارد مذکور، این نکته مطرح است که اقدام مأمور در به‌کارگیری سلاح در حادثه پارک پردیسان منطبق بر قانون است؟ با توجه به اینکه مأمور از خودروی گشت ارشاد پیاده شده، آیا ارتکاب جرم عدم رعایت پوشش مناسب یا حتی درگیری با مأمور می‌تواند توجیه اقدام مأمور در به‌کارگیری سلاح شود؟ این نکته قابل‌یادآوری است که اظهارنظر حقوقی در هر پرونده مستلزم مطالعه دقیق، بررسی اسناد و مدارک موجود و استماع شهادت شهود حاضر در صحنه است. درخصوص حادثه پارک پردیسان چنانچه گزارش تنظیمی روزنامه «شرق» در مصاحبه با استیپ‌دیده دقیقاً با آنچه حادث شده است منطبق باشد، به نظر اقدام مأمور در به‌کارگیری سلاح با هیچ‌یک از شقوق مواد مذکور مطابقت ندارد چه اینکه محل وقوع حادثه مکانی تفریحی و البته معد فعالیت‌های ورزشی بوده که تصور انجام هرگونه اقدام مجرمانه بدوی از ناحیه مصدوم حادثه را رد می‌کند، علاوه بر این حضور نوزاد در آغوش مادر خود در زمان وقوع حادثه این اطمینان را به‌وجود می‌آورد که فدر مصدوم در معیت خانواده خود در مکانی تفریحی بوده است. درخصوص پرسش دیگر نیز باید گفت به فرض وقوع جرم بدجوابی توسط همسر فرد مصدوم (که نام‌برده منکر ارتکاب این جرم شده است) مستند به تبصره ماده ۶۳۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی، رای وحدت رویه شماره ۲۴۶ مورخ ۵، ۶ و ۲۰۴۰۳ قانون «به‌کارگیری سلاح توسط مأمورین



**محمدحسین شرفینی**

**وکیل پایه یک دادگستری**

**پس از انتشار گزارش روزنامه «شرق» درباره اتفاقاتی که در پارک پردیسان رخ داد و منجر به استفاده از سلاح شد، این سؤال پیش آمد که قانون در چه مواردی به مأمور مجوز استفاده از سلاح را داده است؟ به‌عنوان یک هم‌وطن ضمن ابراز همدردی درخصوص آنچه در پارک پردیسان برای این خانواده به وقوع پیوسته، می‌توان به این نکته‌ها اشاره کرد. مستند به اصل بیست‌ووم قانون اساسی که مقرر داشته است «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند» و همچنین در چه قسمت اخیر بند ۱ ماده‌واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی که «اعمال هرگونه سلبیقه شخصی، سوءاستفاده از قدرت یا اعمال هرگونه خسونت» در مسیر کشف، تحقیق یا تعقیب جرائم را ممنوع کرده است، قانون‌گذار حفظ آزادی و عدم تعرض به حقوق شهروندی را از خطوط قرمز موردحمایت قانون بر شمرده است و در نتیجه توسل به زور یا خسونت (که بالاترین مصداق آن استفاده از سلاح گرم است) در زمان کشف جرم یا تعقیب و برخورد با متهم را استثنا قرار داده و احصا کرده است. منتنن موارد قانونی استفاده از سلاح را (همان‌گونه که از نام قانون مصوب برمی‌آید) به دلیل حساسیت موضوع صرفاً در مواقع ضروری تعیین‌شده تجویز کرده است. مواد ۵، ۶ و ۲۰۴۰۳ قانون «به‌کارگیری سلاح توسط مأمورین**